



ایوزیسیون بورژوایی در هراس از جنبش انقلابی کردستان

(نگاهی به طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان)

عبدالله مهتدی

**اپوزیسیون بورژوازی در هراس از
جنبش انقلابی کردستان**

www.iran-archive.com

مقدمه:

مقاله حاضر توسط رفیق عبدالله مهندی دبیرکل حزب کمونیست ایران نوشته شده است و حاوی تقدیمش و طراوت شوونیستی مآهذب خلق و شورای ملی مقاومت در قبال مسأله ملی و جنبش انقلابی در کردستان است.

رفیق عبدالله یکی از رهبران شناخته شده کارگران و زحمتکشان کردستان و جنبش انقلابی خلق کرد است و سالها بعنوان عضو کمیته مرکزی و دبیرکل کومه له مستقیماً در شکل دادن به سیاست انقلابی طبقه کارگر در کردستان و هدایت جنبش انقلابی خلق کرد نقش داشته و باروبادهای سیاسی آن ارزندگ و مستقیماً در گسترش داده است.

اس مقاله سرمسای دیدگاههای

حزب کمونیست ایران در مورد مسأله ملی و جنبش انقلابی در کردستان، ادعاینامه کارگران و زحمتکشان و خلق صحبت ننم کرد را سرغلبه شوونیسم آشکار طرح شورای ملی مقاومت برای خود - محضاری کردستان طرح کرده است.

این سوخته پیش از این در یک سلسله رسامه های رادیویی در روزهای ۱۲ تا ۱۷ آذرماه ۶۲ از بخشهای فارسی و کردی صدای انقلاب ایران پخش گردیده است. مطالعه دقیق این مقاله را همه کارگران و زحمتکشان و فعالین و هواداران حزب کمونیست ایران توصیه میکنیم.

هبات تحریریه "کمونیست"

اپوزیسیون بورژوازی در هراس از جنبش انقلابی کردستان (نگاهی به طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان)

روز هفدهم آبانماه امسال "طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان" تصویب شد و همراه با پیام آقای مسعود رجوی با اطلاع همگان رسید. گویی آبانماه، ماه خسرو و سرکرت برای خلق کرد است! ۲۶ آبانماه سال ۵۸ یعنی درست چهار سال پیش سر خمینی "پیام تاریخی" مشهور خود را "در جهت احقاق حقوق این مردم مظلومان و مستضعفان ما در کرده بود. با اینوصف تاریخ عیان تکرار میشود: در آن موقع خمینی پس از یک یورش و جنگ سه ماهه بدستال اعلام جهادش علیه کردستان که سرعفت منحصر به تلفات سنگین و عقب نشینی های مکرر قوای دولتی و پسرورزیهای نکی پس اردگری پشترکان شده بود، نارأفت اسلامی خود را پس "مردم مستضعف" را آورد و پیام

طرح خود را اعلام داشت. اکنون پس از گذشت چهار سال و تحت شرایط و احوالی متفاوت اس نارمشترکس جمهوری اسلامی پس یعنی آقای بی مدی - "رئیس جمهور" - شورای ملی مقاومت که مدتی هم در جمهوری اسلامی خمینی رئیس جمهور و فرما شده کل قوا و ما مورگوشمالی گمانی بود که در کردستان از فرمان امام سرپیچی کنند - و آقای رجوی - که در آن موقع از جمهوری اسلامی خمینی دفاع میکرد و از مدافعان "اخرای کامل پیام تاریخی امام خمینی" بشمار میرفت و هنوز جمهوری اسلامی دستگیری بدون خمینی را هدف خود قرار داده بود - که می بیند هر روز رنگمانی توده های خلق کرد دست به آنها میخورد می شود در نجه عطفونستان را بر روی خلق کرد

گشوده اند و اس با طرح مشخصی راهم به خلق کرده عرضه کرده اند. ضمناً اگر چهار سال پیش حزب توده و توده ای های درون حزب دمکرات زیر عنوان خاص و معانیات این حزب مسئولیت سه راه انداختن رقص و پای بکوسی فضا احتیاج در کردستان بصاحبیت این پیام تاریخی و نبوغد بخش را داشتند، این با رخود حزب دمکرات کردستان رسماً و اطرطنی آرگانهای تبلیغاتی پیش ما موریت تا دو مسرورستان دادن خلق کرد را عمده گرفته است.

بررسی "طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران"، تحلیل سبب و دیدگاههای حاکم بر این طرح و نتایج و عواقب آن نه فقط برای همه صفوف حزب کمونیست و سوسیالیزه سازمان کردستان این حزب یمنی کومه له، بلکه برای هر کارگر آگاه که به مسائل کردستان مانند یکی از مسائل مهم انقلاب و دمکراسی در ایران میگرد و هر مسافر کرد که به سرنوشت و پیسروزی جنبش انقلابی خلق کرد علاقمند است و برای آن تلاش میکند ضروری است.

ما در اینجا پیش از آنکه وارد نقد محتوای سندهای طرح ۱۲ مسأله ای شورای ملی مقاومت شویم و اثبات کنیم که این طرح جز طرح ناسود کردن جنبش

انقلابی و باسما ل کردن ویس گرمس دستا وردهای انقلابی بوده هادر کردستان که فریبکارانه در ظاهر دوستی با خلق کرد را بسته شده چیز دیگری نیست، لازم میدا سم قملاً پیام آقهای محمود رحوی را که در واقع حاوی جوهر منمنش و دیدگاه حاکم بر طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت است بررسی کنیم.

براستی هر چه قدر بیشتر این طرح و پیام رحوی را مطالعه میکنم و در آن به تعمق میپردازم، بهتر سراپتسان روشن میشود که دیدگاه ما نظر بر آن چقدر شوونیستی و ضد دمکراتیک است و تا چه حد با وجود اینکه سعی شده سبب واقعی سنی مدروما همدن نسبت به خلق کرد و مردمکراسی در لفافه معطری از کلمات و عبارات "عادلانه، صلح طلبانه و دمکراتیک" پیچانده شود، با رهم سوی گندار تجاعی و سرکوبگرانه آن مقام را می آزارد، برای اینکه خواننده گمان نکند این صحبتها از سر "پیش داوری" نسبت به شورای ملی مقاومت است و ما تصمیم داشته ایم این طرح را هر چه باشد تخطئه کنیم، از وی میخواهیم اولاً، طرح شورای ملی مقاومت و پیام رحوی را باز هم و با رهم بخواند و ناسا، در استدلالاتی که ما میکنم بدقت تعمق کند.

رجوی در پیمان میسگوید: "اس طرح
را رئیس جمهورینی صدروا حوزات ،
سازمانها ،گروهها و شخصتهای عضو
شورای ملی مقامت به استعاف آراء
تصویب کرده اند ، به اس ترتیب
شورای ملی مقامت بمنامه تنبها
حاشن دمکراتیک و قدرتمند برای رژیم
سرکویگروخون آتام خمینی بار دیگدر
مسیر آزادی و استقلال مبین و دفاع از
تمامت ارضی ایران و حاکمیت و وحدت
ملی تمامی اس مرور سوم راه حلسی
عادلانہ ، صلح آسرو دمکراتیک سرای
یکی از مسائل بفرح سیاسی و تاریخی
کشورمان حتمو کرده است . منظور
مساله کردستان ایران و ملیت بنمزده
کرد در مبین ماست که طی سالیان
متمادی تحت ستم مضاعف رژیمهای
مختلف سرسره و ناگزیر ارقا و صفت و
سار ره بوده اس . مساله ای که رژیمهای
سرکویگرو سلطنتی و خمینی علیسرغم
اعمال قهر و احتیانه تنها هرگز قادر
به حل آن نمودند بلکه آنرا بطور دائم
پیچیده تر بسز میگردند ، کما اینکه
قدرتها و ابادی استعماری نیز ضمن
یکصد و پنجاه سال گذشته پیوسته سر آن
سوده اند تا با سوز استفادہ ارنسوعات

در طول مسی سا کدها ارماس .

قومی و ملی ایران و مسائل مربوط
به حقوق ملیتها از حکومتها میب
ارضی و وحدت ملی کل کشور را سه زیر
علامت سوال بکشند و از سوی دیگر بنا
سرجست با روای "تجزیه طلبی" زمینه ها
و وسائل سرکوب هر چه بیشتر را تدارک
دیدہ و مانع بشمر رسیدن مبارزات و
درخواستهای عادلانه مردمی همچون
مردم کردستان شوند ، بخصوص که لاینحل
ماندن اینگونه مسائل و تداوم سحرانها ،
درگیریها و خوسریبهای ناشی از آنها ،
چه در گذشته و چه در آینده ، جز در خدمت
استمرار و تحکیم سلطه استبداد و وابستگی
و جز سر ضد آرمای آزاده ها نسه و
استقلال طلبانه تمامی خلق ایران
نسوده و نخواهد بود .

(تا کیده ارماس است .)

بنظر ما نقل همیس اندازه از پیام
رجوی که در واقع مقدمه ای برای تشریح
سیاست حاکم بر طرح خود مختاری شورای
ملی مقامت است ، کافی است تا آنچه
را که گفتیم اثبات نماید ، هر چند که ما
نمودها و بیروزیات این بینش و دیدگاه
را بعدا بطور مشخص و بکرات در خود طرح
نشان خواهیم داد ، اما فعلا آنچه را از
پیام رجوی بر میآید بطور مختصر مورد

سخت فرار میدهیم.

بنامه اعتراف صریح رجوی در این
بیمانه نقطه حرکت شورای ملی مقاومت
و موضع کلیدی آنها در سرعورد همساله
کردستان "دفاع ارتما صبا ارضی ایران
و حاکمیت و وحدت ملی تمامی اس مرر
و سوم" است. در تمام پیام و در طول طرح
و بطور کلی در تمام ادسیات مهادس و
شورای ملی مقاومت، "تمامیت ارضی
خداشناپذیر" همواره اساسی است.
ترجیح بدتکرار میشود و در واقع سه
منابه شمشیردانا مولکس بر سر همساله
مربوط به کردستان و وطن کردآویزان
است. حال آنکه سوزده در ماههای
احمرها که مهادس و شورای ملی
مقاومت یکبار همساله کردستان
و خودمختاری صحبت کرده اند. ده بار
دها نشان را با "دفاع ارتما صبا
ارضی" آب کشیده اند و به اس وسیله به
ارتش، سوزواری و امپریالیستها
اطمینان خاطر داده اند. در مقدمه طرح
فلسفی خودمختاری که پیشنها در زمان
مهادس بود مدت کمی قبل از طرح
کسوفی استشاریافت، رجوی اعلام داشته
بود که: "در میان سوزده های مردم
کردستان هیچ گرایش یا تمایل تخریب
طلبانه حدی و موثری وجود ندارد و بر
اساس تحقیقات، سرخوردها و سوزدها

بسیار در میان اس مردم دلبر و رحمتکش
و غیور، هیچ تمایلی به حدایی ارمیها
و خود ندارد." و به اس ترینیب به
سوزواری و امپریالیسم اطمینان داده
بود که بدترش خودمختاری برای کردستان
ارحانف مهادس خلق سبب چوجه لطمه ای
به اصول خداشناپذیر مورد نظر آسان
و اردنی آورد. البته تعحسی ندارد که
مهادس و شورای ملی مقاومت بررور
بر اظهار وفاداری خود سر "تمامیت
ارضی و وحدت و حاکمیت ملی خداشنا
باید بر ایران" می افراسد. بطور کلی
مدتی است که اسان سادس و حاسس
نظام میخواهند از هر لحاظ گوی سفت را
از رقیمان سلطت طلب برسانند و
آنها را از نظر سوزواری و امپریالیستها
سندارند و سوزواری در عین حلال
شدیدی که به دستجات سلطت طلب
می کنند، از لحاظ مضمون هر چه سفت
به آنها نزدیک میشوند. مهادس و
شورای ملی مقاومت سعی می کنند از
پس آنها برآیند، چیزی از آنها کم
نداشته باشد، از هواداران "میانرؤ
آنها دلبرایی کنند، و خلاصه کاری کنند
که در مقابل استغاثات آنها نقطه
ضعفی نداشته باشد. البته مهادس
و شورای ملی مقاومت را از این که اس
سیاست باعث میشود بررور نقطه صفهای

سنجری در مقابل استقادات کمونیستها، کارگران و سروهای انقلابی بنیادا کمندونکافتنان با آنها هر روز عمیقتر شود تا کی نسبت، حتی آقای رجوی با "طراوت حاشی" اس بکنه رادر نظر گرفته است که در ابتدای بیامی که سه مناسب انتشار طرح شورای ملی مقاومت میدهد، بجای "تسام خلقی قهرمان ایران" همشگی، اسن بار برای خوشامدحاج سیاسی مذکور "سام ایران" را کنار سرد!

ناری، ناانوصف عجب است که شورای ملی مقاومت ادعا میکند که سر خلاف رژیمهای شاه و خمینی میخواهد صاله کردستان را بحو "عادلاسه، صلح آمیز و دمکراتیک" حل کند. در حالیکه رژیمهای سلطنتی و اسلامی هم در سار همنس موضع شووینستی "دفاع ارسامبارمی" در سر خورد به مسئله کردستان حرکت کرده است. معلوم نیست چه دلیل رجوی ارقبول شورای ملی مقاومت ادعای اسن را میکند که چیز متفاوتی اراسا عرضه میدارد. اتفاقا نقطه حرکت شاه، خمینی، شاهپوریستیا روا مثالیم بیگز همنس سوده وهب، اصولا نقطه حرکت برای شروع سم ملی و آن موضعی که سمگری ملی ارا آن سانی می شود

چیزی حرامی نیست. و در مقام حرکت از این موضع است که اتهام تحریک طلبی بوسیله ای برای توجیه سرکوب و کشتار و تها و زودخالت ارفش سرطلسه مردم تعدیل میشود.

اما اگر برای حل مساله ملی در ایران و بطور مشخص مساله کرد، حرکت از موضع "دفاع از تمامیت ارضی" حرکت از موضع شووینستی ملت غالب محسوب میشود، پس ما چه موضعی را برای حل "عادلاسه، صلح آمیز و دمکراتیک" صاله کردستان پیشنهاد میکنیم؟ ما از چند سال پیش در مساب های مختلف و از زوایای مختلف اس موضع را سیمان کرده ایم و اکنون سکا ردیگر محصرانه آن اشاره میکنیم.

دو موضع طیفی

در سر خوردنه صاله ملی

کمی که خواهد در ایران راجع به صاله کردستان موضعگیری عادلاسه کند، باید بدوا کارش را مشاهده و در نظر گرفتن اس واقعیت آغاز کند که ایران یک کشور چندملتی و با اکثر - المله است. مردم ایران، ساکنان ایران یک ملت واحد - بمعنای علمی و سیاسی و نه عامیانه اس کلمه - را شکل میدهد بلکه محتوای ار

طلبهای گوناگون هستند. اس طلبها در یک کشور واحد نام ایران حساب مشترک دارند و ماساب اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی متنوعی بین خود مقرر کرده اند. ایس تک واقعیت است که در صورت نادمه گرفتن آن حتی یک گام هم طرف حل نساله ملی کردستان نمیتوان برداشت. و اس واقعیت را - همانطور که بعد اینهتروشن خواهد شد - معاهدین و شورای ملی مقاومتی پذیرند و اسهای مختلف از اعتراف به آن و تعدیق آن سرسار میزنند. چرا؟ دلیل آن روشن است. بر ایدرفتن موجودیت ملل مختلف در ایران و بطور مشخص بر حسب شناخت کردها بمثانه تک ملت راه را برای پذیرفتن حقوقی که بطور طبیعی برای اس امر مرتب میشود نامسکند. پس همان سهر که اصل قضه اسکار شود!

علاوه واقعیت دیگر اینست که ملل مختلف در کشور ایران در حال اس سر ابری سر نمیروند و ماساب اسب بین حلقهای ایران بر مبنای اصول دیمکراتیک تنظیم شده اس. ماساب و حساب مشترک طلبهای ایران در اس کشور نه فقط بر مبنای پیوندهای اقتصادی و اجتماعی بلکه هم حسب بر مبنای سمگری ملی، بر مبنای ملت حق آن اس

در مصمم گیری آزادانه برای اسباب مسروطنی زندگی خود و بطور خلاصه سر مسای زور و دیکتاتوری اسسوار اس. اسب تم ملی. خود عرشی ار دیکتاتوری بورژوا امپریالیستی در ایران اس. کسی که خواهد در مسورد کردستان مادمه مومسگری کند اسب اس واقعیت راه مسند، تصدی کند و مد نظر فرار دهد. و خود معوله ای به نام "ساله ملی" در کردستان مسایی سحر اس ندارد. لدا اسب ساله کردستان را بعنوان تک ماله ملی، یعنی ماله تک ملت سب است که ارحق تعیین سر و سب خود محروم بوده و برای کمب آن ماباره مسکند بر حسب شناخت بدون شناخت اسب واقعیت، امکان ندارد بتوان بر مبنای حشش انقلابی در کردستان وادامه ونگامل آسراتا حدیک جنگ انقلابی توضح داد. و اسب درست گیری اسب که معاهدین و شورای ملی مقاومت سبند ارقبول آن اکراه دارند و درست همین ماله اسب که در واره را برای شوو سیم باری کند. رجوی از "ستم مضاعف" نام مسردولسی اراذغان به اسبکه کردها یک ملت معین را تشکیل مدهند، ملی که تعب سیم ملی فرار دانه و سیمس خاطر مبارزات و حششهای ملی بر پیا کرده و می کند.

مصراع خودداری صورت دارد. روشن است
کسی که اس واقعیت را انکار می کند
در واقع ستم ملی را برده پیوستی و استوار
نمکند تا گذارد آماج حمله فرار
نگردد و نتواند آن صدا و مبحث
انکار رو برده پیوستی این واقعیت
بمنواند معنی دیگری بحر علاقه به
حفظ آن داشته باشد. هیچکس نمیتواند
مدعی حل مسأله ملی در کردستان
باشد بدون آنکه اس واقعیت را
بی عرضه و صافه مناهده و تصدق
کند و آنگاه آسپها را برای حل آن
بالا ببرد.

و اما اس ناره استدای ورود به حل
مسأله کردستان است. سؤال اس است
که موضع اصولی، انقلابی و عادلانه است
به اس مسأله چگونه است؟ بی شک
طبقات مختلف هر کدام از راه مناسب
مفس خود به اس مسأله سرخورد کرده
و برای آن "راه حل" ارائه میدهند.
حرکت از موضع "دفاع از مسأله ارضی"
در سرخورد به مسأله ملی و بطور مشخص
مسأله کردستان، معنای حراکت را حسی
ملل، خراب دیده گرفتن و با خیال کردن
آزادی ملیها در انتحار سرسوتنتشان
بدارد. اس موضع با گرسره معنای
به سید کشیدن ملل تحت ستم و ساحت
مومنت تحت ستم آنها و ساس اس

استفاده از حس و رور و سرکوب برای
حفظ و تحمیل اس مومنت با سراسر
است. شورای ملی مقاومت با کمال
اعتنا را علام میکند نقطه شروع برای
رسدگی به مسأله کردستان. دفاع از
نمایند ارضی اس است. در حالیکه
اس نقطه شروع مشترک همه کمانیست که
در اسان خواهان حفظ و دوام ستمگری
ملی هستند. تمام حشمت های ملی
دقیقا تحت همین شعار و ساس است که
خواهان بحزبه هستند. سرکوب شده اند و
مستعود. این موضع، موضع سوز و آری
ملل غالب و ساس مومنت توسعه
طلبانه وی در امر تسلط سرمایه و سر
سار راهای کار و کالا در میان ملت تحت
ستم میباشد. محاهدس و شورای ملی
مقاومت به فقط بر ساس طرح سب "دفاع
از مسأله ارضی" را انکار می کنند
بلکه "حفظ حاکمیت و وحدت ملی اسان"
را برورد در ساس ساخته اند. در حالیکه
این دومی فقط بیان دیگری برای اس
نظر است که: اسان یک کشور کثیرالمله
سیمت، مجموعه ای از خلقها است بلکه
فقط یک ملت یعنی ملت اسان و یک
خلق یعنی خلق اسان است. و همانطور
که قبلا گفتیم انکار وجود خلقهای اسان،
انکار وجود ملل مختلف ساکن اسان،
سراسر انکار ساس و حقوقی اس است که

بر سه رسمیت شناختن و اعتراف بوجود آنها مترتب میگردد. و رجوی ما به میان کشدن "وحدت ملی" حدشه ناپذیر ایران در حقیقت هیچ کاری بخراکار چند ملتیتی بودن ایران نمیکند و گریه می نایست نمای آن را " اتحاد دا و ظلمانه و آزادانه ملل ساکس ایران" صحت و بیثمنانی کند. تنها در این صورت "وحدت" استمگراسه و مستثنی بر احاطه و زور و سزنیزه نبوده و نه همین دلیل بنا بر محکم مردم نتواند باشد. تنها کسیکه از یک جنس "وحدتی" که نتیجه و محصول قبول آزادی و اختیار زندگی برای ملتهاست دفاع میکند، میتواند خود را یک دمکرات واقعی بدهد. و گریه همه ملطبت طلبان، همه یان ایرانیتها، همه تیمارها و آیت الله ها سیز درست از همین "وحدت و حاکمیت ملی" حدشه ناپذیر" دفاع میکنند و از همیسی موضع رهسار بایمال کردن حقوق ملتتها میشوند.

موضع ما در این مورد چیست؟ موضع حزب کمونیست ایران یعنی موضع کارگران انقلابی و آگاه هستت سه ساله ملی نظور کلی که در مورد ساله کردستان هم مدق میکند کما سلا روشن است: بر رسمیت شناختن حق کما مل و

بی قید و شرط ملل ساکس ایران در تعمیم بر روش خویش. این تنها موضعی است که سه رشته ای ترس و دمکراتیک ترس و سه ممکن ساله ملی را حل میکند. ستم ملی و تبعیضات با سراسر سیای ملی را ریشه کن میسازد و سه اس ترسب به همزیستی ملل مختلف بطور واقعی میدان میدهد. هیچکس نمی تواند یک دمکرات واقعی باشد بدون اینکه اس حق را سه تمام معنی بر رسمیت شناسد. برادر عباس آن نمی توان مساوات بس ملتها را سراسر اس دمکراتیک سارمان داد. نمی توان از آزادی و مساوات آزادانه بین خلقهای گوناگون صحبتی سه میان آورد و در اس صورت کار سناچار به اعمال زور و دیکتاتوری میکند. علت دفاع ما از این سیاست سیر روشن است: ما با سونا لیبست هستیم. ما استرنا سونا لیبست هستیم. نقطه حرکت ما در سرحوردیه ساله ملی از میان بردن شکافها و جدائیهای بین کارگران ملل مختلف و تحکیم وحدت و یکپارچگی بین المللی کارگران سمنابه شرط رشد و پیروزی ماست. ستم ملی، ولودر کوچکترس مقیاس آن، در سس کارگران ملنهای ستمگرو تحت ستم شکاف و جداسی می اسازد و آنها را سه جدا لیا و

خصوصیتهایی ممکن است که در واقع متعلق
به کارگران نیست بلکه ارسنوی
سورزواری به آنها حمل شده است و
ممکن است آنها فقط سدهای اقتصاد
کارگران و رحمتکنان ملل مختلف
توسط سورزواری های "خودشان" را
محکمتر میکنند و از مسازره مشترک و متحد
سر علیه کل سورزواری بار میدارد. حرکت
ارموضع "دفاع ارتعاش ارضی" که
در واقع معنی استمرار استمرکی سر
ملل ضعیف است، مسخه ای خرابی است
شکاف، بفرقه، بدبسی و حتی خصوص
میان کارگران ندارد و سیاسی است
که فقط به سورزواری خدمت میکند. ما
خواهان سرسخت شایسته حق ملت ها
در تعیین سر و شششان بهر نحوی که
سخواهید هستیم، این سیاست خدائیهای
ملی را از میان میبرد، زمینه را برای
اتحاد دا و طلبا به و آرادا به ملل ساکن
ایران آماده میسازد و همبستگی و
برادری کارگران ملت های گوناگون را
تأمین میکند، به اتکای همین سیاست
بسرسخت شایسته حق ملل است که حزب
کمونیست شعار دیگر خود یعنی اتحاد
آزادانه و دا و طلبا به ملل ساکن ایران
را بیان میکنند و زمینه را برای همبستگی
کارگران و رحمتکنان ملت های
گوناگون فراهم میسازد. بار دودن من

ملی، مسازره طبقاتی بس کارگران و
سرما به داران در درون هر یک از ملت ها،
بمعنا به اعلی ترین مساله جامعه،
بدور از هرگونه ثوابت و پیرایه های غیر
طبقاتی به روش تریس و سه خود را
بمقدار مسازره دورا به سرای مسازره دورا به
رهایی قطعی نموده های زمبکسش و
استثما رنوشده هموار میشود.

تا اینجا موضع مباحثین و شورای
ملی مقابله و مترا در مورد مسالی ملی، تا
آجا که به حبه های عمومی و کلی این
مساله مربوط میشود، ملاحظه کردیم و دیدیم
که آنها کمترین المله بودن ایران را انکار
نمکنند، و خود ستم ملی و مساله ملی را
پرده پوشی میسازند، حق ملل را در
استخاب سر و شش خویش سرسخت
نمی شناسند و تنها چیزی که به خلقهای
تحت ستم و بطور مشخص به خلق کرد و عده
میدهند "دفاع ارتعاش ارضی و
حاکمیت و وحدت ملی ایران" یعنی
درست همان تحفه ای است که نساء و
خمینی یعنی رژیم های مطننی و اعلامی
هم قبلا به مردم عرضه کرده اند و گفتیم که
تنها موضع دمکراتیک بنگر در مقابل
این مساله عبارت است از: حق ملل
در تعیین سر و شش خویش و انحصار
آزادانه و دا و طلبا به ملل ساکن ایران،
یعنی شعارهایی که در سرما به حسرت

کمیسیون ایران سرشنسی و مزاحمت مطرح
نده و سالهاست که راههای کومه له در
سرحد و سیما له کردستان بوده است. حال
دیدگاههای محاهدین و شورای ملی
مقاومت را در مورد یک ساله متحصن تر
یعنی جنبش ملی کردستان، ماهیست .
تا رجه و کارکرد آن بررسی کنیم .

رجوی جنبش ملی کردستان رابه
"قدرتها و ایادی استعماری"
نسبت میدهد !

رجوی درجای دیگری از پیام خود
میگوید: "قدرتها و ایادی استعماری
سیزطی یکم دوینجا سال گذشته پیوسته
بر آن بوده اند تا با سوء استفاده از
تنوعات قومی و ملی و مسائل مربوط
به حقوق ملیتها از یک موتمنا میت ارضی
و وحدت ملی کل کشور را به زیر علامت
سوال بکشند و از سوی دیگر با برجست
ساروای "تجزیه طلبی" زمینه ها و وسائل
سرکوب هر چه بیشتر را تدارک دیده و مانع
به نمرسیدن مبارزات و درخواستهای
عادلانه مردمی همچون مردم کردستان
شوند ."

اینها دیگر محاهدین و شورای ملی
مقاومت نباید شوونیم ، غرضوری و
فرسکاری خود را نشان میدهد و درست

همان انهایی را - البته در مقابل
"دوستی" و "فمخواری" - به جنبشهای
می ظلمانه خلق کرد می رسند که سالهای
سال است سرکوبگران طلقها جنبشهای
خلق کرد را به آن متهم میکنند و آنهم
است که اس جنش ها آلت دست استعمار
و قدرتهاست استعماری بوده ، متوسط
آنها را نگرفته شده و سنا فتح آبادت
کرده اند . اما واقعبینان از هر لحاظ درست
برخلاف آن چیزی است که آقای رجوی
ادعا میکند ، زیرا چنانچه خواهیم ساله
را بطور کلی و از لحاظ اصولی مورد
بررسی و قضاوت قرار دهیم ، باید غلط
و سرشت جنبش ملی - دمکراتیک خلق
کرد را سنا به جنبش رها نینخش یک ملت
تحت ستم مورد تا کید قرار دهیم ، ایس
جنبش ، جنبشی است که بر علیه ستم و سبه
غایر کسب آزادی برپا میشود و صرف نظر
از اینکه امیریا لیستها چه نظام معنی
دارند و یا ب فکر چگونه بهره برداریها
هستند ما دلانه و قابل پشتیبانی است .
جنبش خلق کرد موجودیت و غطت خود را
مدیون "قدرتها و ایادی استعماری"
نیست ، بلکه دارای زمینه ها و ریشه -
های تاریخی و سیاسی بوده و اهداف
عینی و ذاتی خود را دارد ، کسی که
سرخواهد در طرف ستمگر قرار گیرد ،
بأساس واقعات را ادعا نکند .

روحی که حاصلست حبلت اس حسیست
 و اهداف صمی آراء بر صمت نشناست ،
 خاره ای ندارد که آراءه "قدرت‌نپسا
 و آبادی استعماری" صمت کند ، او
 حاصلست حتی یک کلمه در شان ای که
 حسیست خلق کردیک حسیست آراء دستخ
 روحی و قابل پشتیبانی است بر رسان
 آورد ، اما اولین چیزی که سه نظرش
 میرسان است که سه حواسده هشدار
 دهند که "استعمار" را این حسیست و بنا
 بقول او "مسائل مرصوط سه حقوق
 ملت‌ها" بهره برداری میکنند تا با
 وسیله حقیقت آراء تحطه کند ، معمای
 صمی حرفهای آقای روحی است هم
 هست که چون این حسیست ملعه دست
 "قدرت‌ها و آبادی استعماری" است تا
 برای سرکوب خلق کرد از حسانست
 حکومت‌های مرکزی جندان هم‌سود
 حسانست نبوده است ، او با این
 موضعگیری خود را در کنار سرکوبگران
 شناخته شده خلق کرد قرار میدهد ، اما
 از این جنبه کلی و عمومی هم که بگذریم ،
 واقعیت مشخص تاریخی در مورد حسیست -
 های خلق کرد سلطان آنها با روحی را
 نشان میدهد ، (البته شرطی که او
 خواهد حسیست‌های ایران و روس را هم
 ساله مورد بحث ، حلوط کرده و همه را
 بیک فلم کار هدرهای استعماری

حواد ، در عالم واقعیت ، است
 حسیست خلق کرد نبوده است که سوسله
 امپریالیست‌ها و آبادی آنها یعنی
حکومت‌های مرکزی و استعماری
امپریالیسم سرکوب شده است و اس
 امپریالیسم نبوده که همواره ارضای
 ستمگری ملی دفاع میکرده و اس
 ستمگری ملی حزبی از دیکتاتور
 عمران بورژوا امپریالیستی در ایران
 محسوب میشود ، در حال حاضر سه طسور
 مشخص هم اس امپریالیست‌ها هستند که
 بحث عنوان دفاع ارتما صمت ارضی
 ایران خواهان سرکوب خلق کرد
 هستند ، آنها روحی فقط می تواند
 جمافی برای تحطه و کوسدن حسیست
 خلق کرد تا شد و علم کردن آن نشانه
 "دوراندینی" و "آبده‌گری" آقای
 روحی و شورای ملی مقاومت است ، مگر
 به است که حسیست شور هم کرده‌ها را
 به اتهام اس که واسته آمریکای
 عوامل بحث هستند می گوید ؟ اتهام
 وابستگی نه فقط در مورد حسیست خلق کرد
 بلکه در مورد هر حسیست انقلابی ، معسلا
 جمافی در دست ارتجاع برای نفی
 حسیست‌های حق طلبانه این حسیست‌ها و
 کت مستمک برای سرکوب نبوده است ،
 روحی سردرگمال "در است" همس
 سوه را بکار میگرد و هتداهای کسوی است

روحوی و جنبش انقلابی کمونی خلقی کرد

روحوی هنگامیکه از ارزیابی راجع به جنبشهای ملی کردستان و تطبیل تاریخی آنها بر سر جنبش کمونی خلقی کرد می آید، هر چه بیشتر مرجع خود را به مثابه "دوست ریاکار" خلقی کردستان میکند و خصوصیت واقعی خود را با آن نشان میدهد. او ظاهراً در هیأت خیراندیشی وارد میشود و می گوید: "...لا سحیل مابین اینگونه مسائل [مطور مساله کردستان است] و تداوم بحرانها، درگیریها و خونریزیهای ناشی از آنها، چه در گذشته و چه در آینده، حردر حد استقامت و تحکیم سلطه استبداد و وابستگی و جزر و فرود آرماسهای آزادخواهان و استقلال طلبان تمامی خلق ایران سوده و نخواهد بود. پس از چهار سال جنبش انقلابی و جنگ انقلابی در کردستان تازه آقای روحوی آسرا "بحران و درگیری و خونریزیهای ناشی از آن" مینامد و بدتر از آن ادعا میکند که "این مسائل" چه در گذشته و چه در آینده حربه دفع استبداد و وابستگی سوده و نخواهد بود. روحوی میگوید تنها تکیه بر راه طیفی کلساب "بحران"، "درگیری" و "خونریزی" گریبان خود را از موضعگیری سیاسی

در امور بردن طراست که خودوی سر در موقع لزوم سواستداریس جمان علیه جنبش خلقی کرد استاده کند. الحق که روحوی دار دحوسی "درس حکومت کردن" را از "رمان" فرا میگیرد!

و اما "حالت" سرار و استه نشان دادن جنبش خلقی کرده امپریالیستها و استعمار، بخش دوم بحث روحوی است. آنجا که می گوید ابادی استعمار از طریق دیگر سعی میکنند "برجست بار وای تحزبه طلبی" به این جنبشها برسد و این ترتیب "وسائل و زمینه های سرکوب هر چه بیشتر" را فراهم کند. گویی اگر این "انجام" محب داشت، دیگر سرکوب کاملاً مشروعیت پیدا میکرد! کاملاً روشن است که روحوی سرکوب و کشتار را شرطی که کردها واقعا خواهان تحزبه باشند محاز میداند و معتقد است که در چنین صورتی "زمینه" پیدا میکند! اینها صحبت بر سر خواست مشخص حدایی نیست، بلکه صحبت بر سر این است که این دیدگاه همواره یک دیدگاه مدد مکرانک و سرکوبگر است. است که در مقابل هر جنبش حق طلبانه خلقی کرد "زمینه" سرکوب "میتراشد". این نحوه محصول حسری دیدگاه فئوی است.

در سال آن خلاص کند. اما موضعگیری کردن روی جنگها بدون تشخیص جنگهای عادلانه از غیر عادلانه و بدون تمییز سیاست با طریح جنگ ممکن نیست. جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان جنگی است علیه آزادی یک طاق سبب سم، علیه آزادی و دمکراسی در تمام ایران، جنگی است در جهت تحکیم دیکتاتوروری سوزنوا امپریالیستی و منظور تعمیل قوانین و نظامات کهنه و ارضاعی و سیاسی جنگی است ارضاعی که مانند شدت با آن مبارزه کرد، مانند خواستار خروج کامل ویسی قد و شرط نژادی انفالگرا کردستان شد، مانند بیفیع بیامدن به جنبه های جنگ کردستان تلمیح کرد، مانند همه جا علیه آن افشاگری کرد و بظنیرایشها، اما جنگ مردم کردستان و پیشمرگان آن علیه جمهوری اسلامی جنگی است عادلانه که با بداز آن پشتیبانی بعمل آورد، باید نتیجه این جنگ انقلابی و بیخاطر پیروزی آن مبارزه کرد و بیطور همه حاسمه از آن دفاع نمود، اینها دو وجه نهم پیوسته یک سیاست واحد انقلابی هستند و نمی توانند از یکدیگر تفکیک شوند، در مورد جنگ کردستان نمیتوان حاسمه را نبود، نمیتوان حواسه را عدم داوم درگیری را هر دو حاسه شد، در

ایضا فقط یک موضعگیری انقلابی وجود دارد: دفاع از جنبش انقلابی طلق کرد و دفاع از جنگ انقلابی مردم کردستان و مبارزه برای سه پیروزی رساندن آن، رهوی با اطلاق کلمات "بحران" و "درگیری" در واقع میخواهد از موضعگیری کردن روی عادلانه و غیر عادلانه، انقلابی و ضد انقلابی بودن این امر خودداری کند، رهوی و رهبری سیاسی در ایران که نخواهد وارد ماهیت مساله کردستان شود و صرفا خواهد گرفتار مساله ظاهرالصلاح از وجود "درگیری" اسرار تاسف کند، در واقع عادلانه بودن جنبش طلق کرد و لزوم پیروزی آن را برده، یوشی میکند، جنگ را از هر دو سو هم ترا قلمداد میکند و آب به آسباب ارتجاع میریزد. اتفاقا خلق کرد با اینگونه موضعگیری - های سیاسی خاص که ظاهر صلح طلبانه داشته ولی در واقع بمعنای انکار و نفی جنبش انقلابی طلق کرد و حقاقت آن است آشنایی دارد: حزب توده هم به همین کیفیت ظاهرا بدون موضعگیری سیاسی خواستار "قطع درگیری" و "خلو-گیری از خویشری" بود و "تداوم درگیری" را "بیفیع امپریالیسم" قلمداد میکرد و از همین موضع رهسپار رصد کامل با جنبش خلق کرد کردند، در روشن فروهر هم در دوره آتش بس حد ما هه که طی آن

جمهوری ایتالی برای کسب وقت و جمع-
آوری نیرو و تدارک تنها هم گسسته خود
به کردستان، او و چهره های لیسرال و
مزور امثال او را برای فریب دادن و
سرگرم کردن مردم و مشوق کردن ادهان
آنها و کسب وقت برای سازمان دادن
تنها عم و سیمتوبه طلوی صحنه سیاسی
کردستان فرستاده بودند امثال اس
اصطلاحات و تعبیرات را در توصیف حش
خلق کردیگار میبرد، روحی عامدانه
کلماتی نظیر "بحران"، "درگیری" و
"خونریزی" را در توصیف حش استقلال
خلق کردیگار میبرد که قابل پختنمایی
نماند، روحی سرخلاف یک انقلابی
بسروری اس حش و پختنمایی ار آن
را هدف قرار میدهد، بلکه با موضوع -
گیریهایش کاملاً روش میازد که در
برده دل سوزاندن برای خاتمه "بحران
و درگیری" میخواستند انقلاب را در کردستان
ارسی سرد.

روح اساسی موضعگیری روحی آنها
خود را میبایست که می گوید: "مظور
مساله کردستان ایران و ملت ستمزده
کرد در میهن ما است که طی سالهای متعددی
تحت ستم ظاعف رژیمهای مختلف سر-
برده و با گریز از مقاومت و مبارزه بوده
است. مساله ای که رژیمهای سرکوبگر
اطلسی و حفسی علیتر عمال قهر

و حشها به سببها هرگز قادر به حل آن
سودیدند بلکه آسرا بطور دائم، پیچیده سر
سرسگردند، آری، اس روح سقت
و جوی و شرای ملی مقاومت از رژیمهای غا، حفسی
در رابطه با مساله کردستان اس...
روحی به رژیمهای گذشته است که
"علیرغم اعمال قهر و حشها به نتوانستند
مساله کردستان را "حل" کنند بلکه با
سیاستهایی که در پیش گرفتند مردم را
"با گریز از مقاومت و مبارزه" کردند،
بعضی موجب سرور و انقلاب در کردستان
شدند، استقلال که حالا آقای رجوی و
سی صدر و شورای ملی مقاومت سوی آن
گم کرده اند، او ما سند لیسرالهای
ترسان و متنفر از انقلاب، انتقادش از
ارتجاع اینست که باسی کفایتی خود
موجب سرور و انقلاب شده است، اما آنچه
او "پیچیده تر" شدن مساله مدو ساطرش
عرا گرفته، در حقیقت رشد و استحکام و
زادیکالیزه شدن حش استقلال
کرد و افزایش مدا و نقش و توان
پزولتها را در آن است، ما گفته ایم
که با این دیدگاه، منظور روحی و شورای
ملی مقاومت از "حل" مساله کردستان
تنها تضعیف انقلاب میتواند باشد.
بعلاوه روحی میگوید اس "بحراسها
و در گریه" چه در گذشته و چه در آینده
مقط سمع اسناد و وابستگی بوده و

خواهد بود. اما واقعتاً درست خلاف این
را هم گواهی میدهد. کافی است بکنگر
تعصبات ثروتمندی و مدد مکرراتیک
طلوی چشمپاش را نگرفته باشد تا این
واقعتاً را مشاهده کند که چنین کردستان
در چند سال گذشته به فقط بیفیع استمداد
تمام شده بلکه خودسگر مقابله و بی در برابر
استمداد و ارنجاع بوده و همینکه امروز
کردستان انقلابی نه فقط در برابر تنها حمايت
و حشانه جمهوری اسلامی استنادگی
نکند بلکه مقابلاً ضربات سیاسی و
سیاسی به آن وارد میکند گواهی این
حقیقت است. رجوی اینجاست
"زیرکانه" مناسبت را محطوب و محدودیت
میکند: آری، تنها جمهوری اسلامی
بکردستان بیفیع استمداد - نه فقط
در کردستان بلکه در سراسر ایران - بوده
و هی و این راهرگی نمیتواند مفید.
اما مقابله و جنگ انقلابی و عادلانه
رحمنگنان کردستان علیه جمهوری
اسلامی، در جهت دفاع از دیمکراسی در
ایران و به زیان استمداد و دیکتاتوری
امپریالیستی عمل کرده است. این
را سبزه رگی نمیتواند سینند. رجوی
عادلانه با قاطی کردن هر دوی آنها
نحوه عاوس سی خاصیت - بحران،
درگیری و جوهری "درواقع حطیب
ارنجاعی حکم رژیم جمهوری اسلامی

علیه مردم کردستان را به دومی بمبلی به
حک انقلابی خلق کرده علیه جمهوری
اسلامی هم تصمیم میدهد و میخواستند
کند که این با اصطلاح "درگیری" صرفاً
از مابیت و موضوع آن، صرفاً از طرفهای
آن سیاستهای آنها، بطور کلی - و
آسیب به فقط در گذشته و حال حاضر بلکه
در آینده هم - در خدمت استمداد است.
با این اوصاف آیا غیر معانه است
اگر گوئیم محاهدین و شورای ملی
مقابله در لباس دوست در حقیقت برای
خودریالت خفه کردن، عقبساختن و
حاموش کردن شعله های انقلاب در کرد-
ستان را قائل هستند؟ آیا عسر سطقی
است اگر محاهدین و شورای ملی مقابله
را دوستان را با کار و دروغس خلق کرد
بماسم و بگوئیم که دارنده ارحالا خود را
سرای گوید آنها در آینده آماده
میکند؟ و بالاخره آیا این موضعگیری
محاهدین و شورای ملی مقابله در
مقابل حبش انقلابی خلق کرد و جنگ
انقلابی نمیتوان کردستان میتواند
با حریبان رژیم اغراض سد و نیست و خود
شیرینی کردن سرای امیرالمنهاکه
صاحدین و شورای ملی مقابله هر روز
بسیار بیشتر به سخره سخلات آن می غلطند
می آرساط باشد؟
در اینجا بحث بر سر بیما مرخصوی

بیرامون طرح خودمختاری شورای ملی
مقاومت را تمام می‌کند و بطور متخص
به بررسی خود اس طرح می‌پردازیم.



طرح شورای ملی مقاومت برای
خودمختاری کردستان بر اساس همان
دیدگاهی ندوین و تنظیم شده که هم
اکسون خطوط کلی آن را در پیام آقای
مسعود رهوی میباید انتشار آن
طرح نشان دادیم. آنچه که در پیام رهوی
در مورد بنی حق ملل و یکسر وحدت
احماری، حفظه حسن ملی - دمکراتیک
کردستان بطور کلی و حسن انقلابی
ملحاحه خلق کرد در حال حاضر و نا اهره
در مورد پیمانال کردن دنیا وردهای
انقلابی - دمکراتیک تسوده ها در
کردستان بصورت کلیات و عبارات مبهم
و دوپهلوی با احتیاط و بشیوه لیبرالی
مطرح شده بود. در این طرح دیگر شکل
مواد حقوقی مشخصی در آمده و تعارفات
سیمایه های خود را به مواد خشک و لازم -
الاجرا داده است.

ما قبل از اینکه وارد بررسی مواد
مشخص این طرح شویم، توجه خواسته را
به اس نکته جلب می‌کنیم که مساله
خودمختاری بطور کلی از لحاظ موضوع
خود مساوی است با دو جنبه یا دو قسمت

باشد: جنبه ای که با طرح شروع ملی
است و در آن از حقوق و اختیاراتی که
حکومت مرکزی باید برای حکومت
خود مختار سرمایه بشما تسود و
همه دیگر که مناسبات امصادی.

اجتماعی و سیاسی در درون کردستان
خود مختار، شیوه های اداره امور و
حاکمیت، حقوق ساکنان کردستان و به
طور کلی مضمون و محتوای خودمختاری
را در بر میگیرد. در تریا مه کومه له برای
خودمختاری کردستان که بر ما به جامع
پرولتاریای کردستان برای رفع ستم
ملی و همچنین برای برقراری دمکراسی
انقلابی در کردستان خود مختار است،
این قسمتها بروشی ویژه تکمیل
گنجانده شده است. بخش اول موضوع
مورد بحث است حکومت مرکزی
و مطالبات وی از اس حکومت را تشکیل
میدهد و بخش دوم موضوع مبارزه پرولتاریا
و توده های رحمنکش کردستان است
نورژواری و با لایحه نورژواری کردستان
است (و بشرطی که بخش اول واقعا به
رسیت نشاخته شده و اجرا شود. محتوای
عملی بخش دوم به اراده توده های خلق
کرد و تناسب معین نیروهای طبقاتی
در کردستان مرسب میگردد). طرح
شورای ملی مقاومت مخلوطی از هر دو
جنبه است و از آنجا که به حق ملل راسته

رضیت منشا مدویه اراده سوده های
 رحمتکن را، لذا از هر دو لحاظ مد
دمکرا تک است . معنی اس طرح هم
 به معرفت احسان را با کس درستان
 خود مختار - و در واقع سی اختیاری
 آن - برداخته و در اینجا علمه تمام
خلق گرد و وارد میدان شده و هم این "حق"
 را برای خود قائل شده که در مورد "سروش"
داخلی کردستان و شیوه زندگی نوده های
 مردم کردستان تصمیم گیرد و در این
 مورد سبزه دینیا وردهای رحمتکنان
 را با اعمال کند. مثلا در اس طرح از یک
 طرف حق فاسوگراری از ارگان عالی
 کردستان خود مختار است - و با تقریبا
 سلب - نده و ارتش به فعال مایه در
 کردستان ارتقاء پیدا کرده است و از
 طرف دیگر به این هم بنده شده و شیوه
 پارلمانی بحای نظام شورایی در
 کردستان تجویر و در واقع تحصیل شده
 است . عبارت دیگر این طرح دمکراسی
را به فقط در شکل حق ملل بلکه همچنین
در شکل عمومی آن معنی حق توده ها نیز
 بصراحت معنی کرده است .

برای اینکه بتوان یک طرح خود -
 مختاری دمکراسیک برای رفع ستم ملی
 ارائه کرد ، باید پایه های علمی حسن
 خلق گرد و اهداف علمی اس حسن را
 بر حسب شناخت ، کفتم که موجود است

علمی ملت کردستانه یک ملت بحسب
 سم و وجود ستمگری ملی یا به معنی
 حسن خلق کرد است و سایر اس حسن
 انقلابی کسوی خلق کرد ، معنی اس
 ملی - دمکرا تک ، حسنی اس رهایی
 سخن که سحا ترکست حق تعیین سروشت
 یعنی برای بدست آوردن حق حاکمیت
 توده های مردم کردستان بر سروشت
 خودشان برپا شده و ادامه دار و خود -
 مختاری شکل مشخصی است که خلق کرد
برای اعمال این حق در جا رجوب کشور

اسرا می طلبد .

سایر اس ضرورت خود مختاری ،
 از ضرورت حق تعیین سروشت ،
 از ضرورت حاکمیت مردم کردستان ناشی
 میشود ، وجود حسن انقلابی خلق کرد
 خود گواهی برای این حقیقت است . زیرا
 مساله اساسی هر انقلاب قدرت حاکمه
است و در کردستان یک انقلاب خیران
دارد . مساله اساسی اس انقلاب ستر
 نمیتواند چیز دیگری بحز قدرت حاکمه
 یا حاکمیت نماند ، منتها با ویژگی های
 معینی خود . (ویژگی آن است کشته در
 آن دو مبارزه بر سر حاکمیت - و به یک
 مبارزه - وجود دارد یعنی در دل حسن
 انقلابی خلق کرد ، مبارزه طیفاسمی
 پرولسار با و سوزواری کرد سرحرسان
 دارد .) حسن انقلابی خلق کرد - که

با حدیك جنگ افغانی بوده ای هم
نگامیل پیدا کرده است - سررهمیسی
مسأله است و این درست همان چیزی
است که در طرح شورای ملی مقابله
غایب بوده و عمداً مکتوب گذارده شده
است .

و اما مضمون احتمالی این
خودمختاری چگونه خواهد بود؟
که ذیلاً خواهیم دید شورای ملی مقابله
بخود اجازه میدهد که این موضوع را هم
به اراده و حق توده های مردم کردستان
و اگدا رنکند، بلکه خود در مورد آن تصمیم
بگیرد .

ماده دوم طرح شورای ملی مقابله
می گوید: " ارگان قانوبگراری در امور
داخلی منطقه خودمختار، شورای عالی
کردستان است . " اما بدسال آن بلافاصله
گفته میشود: " قوایس عمومی جمهوری
در منطقه خودمختار لازم الاجراست و
مصوبات شورای عالی خودمختار نباید
با قن قوایس عمومی جمهوری باشد . " به این
ترتیب بدون هیچ ابهامی قوانین
مرکزی جمهوری دمکراتیک اسلامی
لازم الاجرا شناخته شده و در مقابل،
قانوبگراری شورای عالی کردستان
محدود و مشروط به عدم تقابله با قوایس
جمهوری دمکراتیک اسلامی شده است .
معلوم نیست دیگر معیار " معارف "

و اما چه احصا را می برای کردستان
خودمختار باقی میماند؟ غنی المنفل
آیا اگر توده های مردم کردستان خواهان
اداره کردن امور خود و سازمان دادن
حاکمیت بشوهر شورایی بحقی حاکمیت
منقسم باشند و به بشوهر یا رلیاسی ،
باید بتوانند این خواست خود
حالا به عمل بشوهد و حتی آسرا بصورت
قانوب زندگی اجتماعی و سیاسی خود
در آورند؟ و حال آنکه این امر با
" قوایس عمومی " جمهوری دمکراتیک
اسلامی متناقض است . آیا اگر توده -
های مردم کردستان بخواهند در زیر
سایه یک حکومت مذهبی زندگی کنند و
خواستار آن باشند که در کردستان خود -
مختار رسماً جدایی دولت از مذهب اعلام
گردد ، بخاطر آنکه این مسأله با " قوایس
عمومی " جمهوری دمکراتیک اسلامی
در تقابله است . باید از این خواست
روا و دمکراتیک چشم بشوهند؟ آیا چنانچه
کا رگران کردستان بخواهند آزادی
اعتماد و ۴۰ ساعت کار در هفته را که
در سراسر شورای ملی مقابله وجود
بدارد ، در کردستان به قانوب تبدیل
کنند ، باید از این حق خود محروم شوند؟
آیا چنانچه رحمنکشان روستاهای
کردستان خواهان معادله افغانی اراضی
بشد و بخواهند که توسط قانوب حمایت

شود، با عدم نظر عدم ساقص خواستنان
 با الطاف نمی ددری در مرکز ما سقد؟
 آیا چا سجه جمهوری دمکراتیک اسلامی
 در قدرت بکرم محدود کردن
 آزادی فعالیتهای سیاسی سفید و
 سوادها س فعالیتها را مدس کند،
 مردم کردستان هم سادس اس حفسان
 کردن بکدار بندوار خبر آزادیهای سیاسی
 بگذرد؟ آیا اگر مردم کردستان خواستار
 مسموعیت تعدد رو حات سادس و سادس اگر
 سوادها در دواج مدسی را بطور فاسوسی
 س رسمیت سنا سادس، با عدم ساقس فواسس
 جمهوری دمکراتیک اسلامی ارایس حی
 محروم گردسد؟ ودهها آسا وچرای دیگر،
 هما بطور که ملاحظه میشود در این ماده
 س فقط حق فاسو بگزاری ارگان خود -
 مختاری مردم کردستان، بشدت محدود و
 تقریباً انکار شده و سعارب دیگر دمکراسی
ارزابه حی تعیین سرتوش و رفع ستم
ملی زبیر با گذاشته شده است، بلکه علاوه
 بر این، با توجه به مقابله سادس هیست و

فواسس جمهوری دمکراتیک اسلامی
 با دستاوردهای انقلابی - دمکراتیک
 زحمتکشان کردستان، اس ماده ارتباط
محوای اجتماعی و طبقاتی اس
دمکراسی سمر کردستان را فاسر سگها
 سفت سکنسد، سدا وردهای دمکراتیک
 ساکوسی آسرا ر سس سسرسد، امکان
 سعمی و ارتقای اس دستاوردهای
سودکارگران و زحمتکشان را سلب سکنسد
 و فواسس اجتماعی را سآن ستمسب
 سسنا سب، ارا سنا سکه سبمی اسسنا س
 سشود که سسرسا سراطح شورای ملی
 مقاومت سابه افکنده اس: تمام
 سببگیری طرح شورای ملی مقاومت
 برای خود محاری کردستان سبار ار
 پانحال کردن دستاوردهای انقلاب
 نوده ها در کردستان و سس گرفتن آسها و
 اعاده اوضاع پیش از انقلاب خلق کرد
 اس. هر چه پیشتر سروسام اس واقعسب
 آشکا رتر خود را سسنا سادس. ■

■ ضمناً این اوضاع تعجبی نیست اگر در طرح خود مختاری شورای ملی
 مقاومت بجای حکومت خود مختار کردستان (یعنی اصطلاحی که معمولاً در
 طرحهای خود مختاری کردستان سکا سبیرود) "شورای عالی کردستان"
 سکا رفته ساند، شورای ملی مقاومت از هر چیزی که سوسی از سکا سبب
 مردم کردستان - ولودرا اشکال ساس حقوفی آن - سدهد، سبب گرسران و
 سسفر اسب و ساجک و سبسان سسواد سبب سبب کلله سدا وردها بلکه حتی
 ادسای را که در اس رسمه موجود اسب سبی کند و اربشها دور سارد!

ماده های چهار، پنج و سه طرح شورای ملی مفاومت که پسران مومن اساسی ترین مسائل مربوط به حسن تمسک سرکوت و خودمختاری، و بطور کلی دموکراسی و انقلاب دور میزند، به عیان این موضع ضد دموکراتیک شورای ملی مقاومت را به نمایش میگذارد.

در ماده چهارم گفته میشود:

"حفظ انتظامات داخلی منطقه خودمختار به عهده ارگاسهای خودمختار است که نیروی متناهی با اسرار را با مراعات ماده ۲ طرح حاضر با زمان میدهد."

و ماده سیم آسرا تکمیل کرده و میگوید:
"نظام قضایی جمهوری واحد است و در منطقه خودمختار، دادگاهها طبق قوانین جمهوری و همچنین قوانین مصوب شورای عالی کردستان به دعای رسیدگی خواهند نمود. سیروهای انتظامی کردستان خودمختار، همانند سیروهای انتظامی دیگر نقاط کشور ضابط دادگستری بوده و ملزم به اجرای احکام و دستورها و قرارهای محاکم و مقامات قضایی میباشد."

ممی واقعی این مواد چیست؟ جوهر و اساس این مواد عبارتست از نفی وانکار و تلاش برای تازیدن گرفتن

دستاوردهایی که مردم کردستان بقیمت پنج سال مبارزه سرخسانه و خونین و با تحمل هزاران قربانی به دست آورده اند. اکنون بطور مشخص به مهم ترین نکات این مواد بپردازیم:

یکی از مهمترین نکات این سه اصطلاح طرح خودمختاری به رسمیت شناختن مردم مسلح در کردستان و به رسمیت شناختن نیروی بیشتر است. و اما این خودمختاری به رسمیت شناختن انقلاب و حسن انقلاسی مسلحانه خلق کرد و کوشش برای تازیدن گرفتن دستاوردهای آن - که قبلا در بررسی پیام روحی نشان دادیم - می تواند ممی دیگری داشته باشد؛ زیرا برحسته - ترین واقعیت کردستان اینست که در آن یک انقلاب مسلحانه جریان دارد که تحقق اهداف سیاسی معینی را هدف خود قرار داده است. در این انقلاب مسلحانه، ما سدها انقلاب مسلحانه دیگر، توده های مردم اسلحه بر گرفته و از آزادی و آزما سها نشان مسلحانه دفاع میکند. اسلحه ای که با یادگانها و یاسگاههای رژیم سلطنتی و در هنگام قیام توده ها و با در جریان جنگ مقاومت عادلانه خود سر علیه سحاور و سورش رژیم جمهوری اسلامی به کف آورده اند. در اس

انقلاب ملحقانه مردم سرروی ملی نه
 وجود آورده اند که بنا بر ویژگی های
 مبارزاتی کردستان تمام پیشمرگ
 نامیده میشود. اولین معنای سرسب
شما حق حتمن خلق کرد و اهداف آن در
حال حاضر و منظور متحصن سرسب شما حق
حتمن ملحقانه آن، مردم صلح و سرروی
صلح آن مردم یعنی سرروی پیشمرگ
است. و این همان چیزی است که
 شورای ملی مقاومت شدت را آن طفره
 سرود و در کمال خوب آن را با سال
 میکند و به این وسیله فصل مشترک
 شوونیستی و سرکوبگرانه خود را با
 رژیمهای سلطنتی و اسلامی شما حق
 میکند. شورای ملی مقاومت با حفظ
 فرمزگشیدن سرروی مردم صلح و
 پیشمرگان کردستان در واقع خواستار
 خلق سلاح آنهاست. شورای ملی
 مقاومت با هم اکنون برای خلق سلاح
 توده ها و سرروی پیشمرگ بگفته میچمد و
 میخواهد در پیشونش لیبرالی " اعطای
 اعتبارات " همان اهدافی را که پیش
 از چهار سال است حمیتی نتوانسته
 زور متحقق کند. در قالب " دوستی و
 خیر خواهی " حاشیه عمل میوشاند. اما
 مردم کردستان بحوسی صدا ندگیتی که
 حق آنها را برای صلح شدن به منظور
 دفاع از آزادی و حاکمیت خود سرسب

نشان داد. در حقیقت هیچ چیز را برای آنها
 سرسب نشان نده است و هرگز ز سر ما
 این توپخانه که حرکت کند و تحقیر ما را
 نمری برای آنها ندارد و خواهد رفت.
 آقایان شورای ملی مقاومت میخواهند
 ابتدا اس حق را از مردم کردستان طلب
 کرده و آنها را طبع سلاح کسد (المنه
 در حال حاضر روی کاغذ چون فعلا همس
 قدر رورتان سرمد) و سپس امتیازات
 سی ارزش به آنها مرحمت نماید ولی
 مگر حمیتی هم می گفت: " اول محاصره،
 بعد مذاکره "؟ شورای ملی مقاومت
 مانند هر جریان سوزن زوایی اولیسی
 چیزی که در سر خود دیده یک انقلاب و سه
 توده های انقلابی صلح سطرش میرسد
 است که با یاد صلح را آوردن آنها
 گرفت!

بایدار محاهدس و شورای ملی
 مقاومت برسید: چطور است که شما حتی
یک بار واژه پیشمرگ را در طرحتان بکار
برده اید؟ آخر شما که " محاهد " استان
 را در کردستان - که آپه به به خاطر
 پشتیبانی از خلق کرد و شرکت در جنگ
 انقلابی آنها، بلکه اما با خاطر صرف
 خارجی و " تولید اسبابه برای هواداران "
 به اسحا آورده اند - تا کمال افشار
 پیشمرگ شما مید، چطور است که دز
 طرحتان اسرا کلی فرا مؤش کرده اند؟

شما که محصورید بیجا طر و وجود سب های سر و صدا افلاسی در کردستان، حفظ ظاهر کرده و معدود محاهد سنی را که به کردستان آورده اند، پیشمرگ بنا مند و هر روز و هر شب هم به اس موضوع افغانا ر میکید بنا بلکه به اس وسيله نتوانيد راهی در دل خلق کرد پیدا کنید، شما که حتی در پیام مسئولتان به مسئمتان استناده همین طرح ارسه هم آمیختن خون "پیشمرگان حزب دمکرات کردستان و پیشمرگان محاهد" حسب می کنید، بطور اس که اس ساله را در حود طرح - که دیگر حای نعارف نسبت و حرج بر میدارد - پساک ار یاد برده اید؟ آنا جز ایس است که گفته شما باک کردن پیشمرگ - و عتسی سب پیشمرگ - یعنی بیخروان صلح مردم کردستان است؟ گفته شما زین سرن حشش انقلابی خلق کرد است؟ ارنیس سرن انقلاب، دستا وردها و انا زارهای آن است؟ نند سب طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان سر صحت اس استنجاج گواهی میدهد. و اما سوالی که سلافنا طله پس ار جوابدن ماده دوم طرح منطقاته میان می آندا سب که: پس خود مختاری را چه کسی وجه بیرونی نصمن می کند؟ حای اس در طرح شورای ملی مقاومت

کا مالا حالی است! بطاسی ماده دوم طرح شورای ملی مقاومت، "شورای عالی کردستان" فقط "بیرونی برای استقامت داخلی" سازمان میدهد. ولی اس و طبعهای است که در همه نقاط و شهرهای ایران در دوره "عدل سنی مدر" با ساها احام میدهد. پس چه کسی آزادی مردم کردستان و خود مختاری آنها، وجه بیرونی دمکراسی و حقوق مردم را نصمن خواهد کرد؟ لاند مدافعان طرح شورای ملی مقاومت خواهد گفت: همان "ارگانهای حفظ مسامت ارضی و وحدت و حاکمیت ملی ایران"، همان ارگانهایی که در "نقشه نقاط ایران" هم عمل میکند، ارسیل ارضی جمهوری دمکراسیک اسلامی! خوخی ندی نسبت! پاسداری ار گوش را سه گره با بد سبرد! اما نام دعوی حی نصمن سرنوشت و خود مختاری سراسر است که اسطور سنا ند و اس وقت آقا با ن ادعا میکند که مساله را "حل" کرده اند. البته روشن است برای شورای ملی مقاومت که نه در پی حفظ مسامت خود مختاری، نه در پی بر سمیت شناختن حی ملت کرد در نصمن و انتخاب زندگی و سرنوشت خود و نه در پی حفظ دمکراسی در کردستان بلکه درست بعکس در پی بار پس گرفتن آن دستا وردها و تسمرات و اسرارهای انقلاب است که حتی هم اکنون

مردم‌گردسان دارند. طبیعی است که
حای سروسنی که اسن آرادای و خود-
محماری را سرای مردم‌گردسان نمس
کند. بفکر نامس سروسنی ناسند که اسنا
راسمع "سما سارمی و وحسد و
حاکمب ملی عدنه نایدیر اسران" ناسر
یس نگرد. و شورای ملی مقاومب در
اسن مورد کمالا دمسق و حساب شده کار
مکنند. اگر حای مردم‌مصلح و سسرسروی
بشمرگ حالی اسن، ولی در موص حای
ارتش در گردسان و احنا رات معال
ماناشی آن کمالا محفوظ اسن و حتی
در میان مواد اسن طرح "خودمحماری"
سخور سنده ای هم رسخته شده اسن.
سخت راینرا مون ماده جبارم داده
مندهم. دومس نکسنا اسنس که
"سیروسی" که سانه طرح شورای ملی
مقاومب توسط "شورای عالی گردستان"
"سرای انظامات داخلی" سارمان
داده مشود. ناسن "مناسن" ناسند و
"سامراعات عاده ۲ طرح حاضر" سارمان
داده مشود. اما معنی اسنا چیست؟ اسن
اسن که: اولاً، سروسنی که سسرای
انظامات داخلی گردسان در سطر گرفته
مشود، ناسند حسا محدود ناسند در حای
که سواند مانع و رادعی در سراسر
ارتش و سروسهای حکومت مرکزی اسناد
کند. سواند وظایف خود را در فسال دفاع

ارحق نمس سروسن و آرادای مردم
گردستان بعهده نگرد. شورای ملی
مقاومب ارحالا دار داس را ناسن کرد
طی مکنند و ارحالا دار دفته دسب-
اندرای و مداخله نمسلی سرای منلانی
کردن و سسری کردن سروی بشمرگ
سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
اسن و "مناسن سسب" رامی کند.
ابنحانکار دنگرد سگاه کمالا مسمم و
غیر اتفافی شورای ملی مقاومب سرای
حسه کردن انقلاب در گردسان، با سسال
کردن دسا وردهای آن و سلب هرا مکان
و هراسراری سرای دفاع ار آن بکنار
دیگر خود را نشان مدهد. ناسنا لزوم
انطای سارمان دادن سسروی انظامات
داخلی ناساده ۲ طرح حاضر - بعضی
همان ماده ای که طی آن فراسس مرکزی
لارم الا حرا سنا حسه شده و فراسس مردم
گردسان سرای اداره! مورشان در
سراسر سسب می ناسد - هم معناسی
سحراسن ناسد که اسن سسروی سسنا
انظاماتی، سس فقط ناسد محدود و
"مناسن" ناسند لکه ناسند سواسس
همسوری دمکر اسنک اسلامی راهم سنا
در آورد و حافظ آن ناسند. آنا دیگر هیچ
خوش ناسد و سسوهی سسب که در سسب
سنا طرح شورای ملی مقاومب سسندی
سراسن سسبی مانه ناسد؟

خواهند بود. دادگتری هم اساساً بواسطه
حکومت مرکزی را اجرا خواهد کرد!

پس اس همه مبارزه و فریادی، تحمل
کردن محاصره اقتصادی و سیاسی و
شکسته، استیمنه خون و روح سرای چه بود؟
در حکومت‌های گذشته هم سروهای انتظامی
سابقاً دادگتری و مخری قوا را
مرکزی بودند، مراستی جهت‌گرا و تکی
سب طرح "خودمختاری" شورای ملی
مقاومت با طرح خودگردانی دارسوش
مرو و حرت بوده وجود دارد؟ حرام
آن که برای غرب مردم و خاک باشند
به چشم مردم اسباب شده است؟

ماده پنجم از احکامات دولت مرکزی
و ارتش در کردستان سخن میگوید و نشان
مدهد که حقیقتاً سلب طلبان
سواستنه اند در امور دگویی سفت را
از "سهاالریا نبود مگر اسک ممکن"
برساند! در اس ماده آمده است که:
"امور مربوط به ساسات خارجی و
روابط خارجی، امنیت سراسری جمهوری
و دفاع ملی (شامل حراسه ارمرها،
حفظ تمامت ارضی و وحدت جمهوری) در
صلاحیت دولت مرکزی است. ارتش در
مسطحه خود مختار کردستان برساند
دیگر سفاط اسراان حق دخالت در امور
انتظامی داخلی را ندارد."

مادر کنار هم برار دادن مواد چهارم
و پنجم کاملاً منحصراً منتهی که از سطر طوح
نورای ملی مقاومت، عالیجنسین
"احساراب" ارگانه‌های خود مختار
کردستان، عبارت از سارملین دادن
انتظامات داخلی کردستان سطرطوسی
قوانین حکومت اسلامی "سویس" و سه
منظور اجرای قوانین مرکزی است.
توجه کنید: ماده پنجم طرح شورای ملی
مقاومت میگوید: "سروهای انتظامی
کردستان خود مختار همانند سروهای
انتظامی دیگر سفاط کشور ساسط
دادگتری بوده و ملزم به اجرای احکام
و دستورها و قرارهای محاکم و سفاط
قضائی است." کدام محاکم و سفاط
قضائی؟ سطرطوسی ماده پنجم "نظام قضایی
جمهوری واحد است" و "مطابق
قوانین جمهوری و قوانین مصوب شورای
عالی کردستان به دعای رسیدگی
میکند". این راه می‌داند که:
"قوانین مرکزی لازم الاحراسه"
و "قوانین مصوب شورای عالی کردستان
ناباید با آن متناقض باشد". مینا برای
نظام "خودمختاری" اعطایی شورای ملی
مقاومت و تمام هدیه این "طرح تاریخی"
سرای ملی کرد در این خلاصه می شود:
در کردستان یا ساسه‌های کردستان تا مور
انتظامات داخلی و سفاط دادگتری

مادراندای مقاله به اس ساله
اشاره کردم که عرصت ارتبطه دفاع از
تمام مباحثی در رابطه با مقاله ملی
کردستان، ارتباط اصولی معنای
دیگری بحریک و با بنام کردن حق
ملک کرد در اسباب آرادانه طریقی
رنگینی ندارد و ارتباط عملی معنای
کس مستمک و حمایتی برای سرکوب
هر حرکت حق طلبانه خلق کرد است .
این را دیگر هر کسی در چند سال گذشته
به چشم خود دیده است . طریقی "ترامه
کومه" برای خود مختاری کردستان .
"امور مربوط به سیاست خارجی" دفاع
در سراسر تاریخ و خارجی و سراسر
سیاستهای متمرکز اقتصادی سراسری
و سیستم پولی کشور در اختیار دولت
مرکزی میباشد . اچا شورای ملی
مقاومت "حفظ تمام مباحثی و وحدت
جمهوری" را سزحرو "دفاع ملی" در
قبال مساله کردستان محسوب کرده و
آرادا در طرح "خود مختاری" خود مستطور
کرده و به امضای حزب دمکرات هم
رسانده است ! به اس ترتیب که اصلا
روشن است که در اسامی مستطور "دفاع
ملی" به دفاع در سراسر تاریخ و خارجی
بلکه لنگر کشتی به کردستان و بحالست
ارسی سر علیه خلق گرد است .
بکته ای که علاوه بر اس در ماده پنجم

بخشم مسجود ، وارد کردند مبارک
"اممب سراسری جمهوری" است . سر
طبق اس ماده دولت مرکزی از طریق
ارتش و سراسر ارگانهای مشابه میتواند
در کردستان آنجا که بای "اممب
سراسری جمهوری" در میان باشند
دخالت کند . این دیگر سه روشی
محتوای واقعی و بنیت شورای ملی
مقاومت را نشان میدهد : بهانه
"تمامیت ارضی و وحدت جمهوری" برای
مداخله در کردستان سر علیه مردم کافی
است و برای "محکم کاری" یعنی برای
کس مستمک هر چه بیشتر جهت سرکوب ،
"حفظ اممب سراسری" همه وظایف
ارتش در کردستان افزوده میشود ، زیرا
از آنجا که کردستان ایران بخشی از
کشور ایران را تشکیل میدهد ، طبیعتا
همواره حش در کردستان بتاسیح
و سارتاسهایی سراسری خواهد داشت که
به استناد آن میتوان "امنیت سراسری"
جمهوری بنی صدر را در "خطر" اعلام کرد .
وقتی که شورای ملی مقاومت بدنایش
میگوید "ارتش در منطقه خود مختار
کردستان سزما بنده دیگر نقاط ایران
حق دخالت در امور انتظامی داخلی را
ندارد" ، و اسود میکند که جلیتی هر
کرده است ، ولی اس روال عادی هر
حکومت سوزواری در دوراسهای عمر

مسئولان کارش را به روال سابق ادامه دهد. در حقیقت هدف این طرح کسب اطمینان از نل شدن پنج وسیره های مائین استبداد مرکزی است و اینکه راههای کافی برای اعمال این دیکتاتورنری بازگذاشته شده باشد.



اکنون و در پایان سررخی طرح شورای ملی مقاومت لازم است که نقش و جایگاه این طرح را بطور مختصر نشان دهیم و معیار دیگر به این سؤال پاسخ دهیم که چرا و در تحت چه شرایطی و با چه سات و اهدافی، شورای ملی مقاومت چنین طرحی برای خود - مختاری کردستان ارائه کرده است.

ارائه طرح معینی برای خود مختاری کردستان از جانب شورای ملی مقاومت بی شک با تاریخی آریخارختن انقلابی است، اما به بوجه معنای با سخگویی به نیازهای حش انقلابی نیست، ارائه این طرح بیانگر عقب نشینی معینی از جانب شورای ملی مقاومت است، اما فقط یک عقب نشینی ظاهری. شورای ملی مقاومت تا منی توانست از ارائه طرح معینی برای خود مختاری کردستان خودداری کرد و وقتی که دیگر اس را نتوانست ادامه دهد،

انقلابی است. مگر نگراسی مردم کردستان از اس است که مبادا ارتش در امور "انقلابی داخلی" که در حیطه اصزار اب دادگستری است، دخالت کند که شورای ملی مقاومت معاوب - مدانه به آنها قول میدهد که در جمهوری اسلامی او جیس چیزی اتفاق نخواهد افتاد؟ آینه مردم کردستان حق نیست به آن حساس نشان میدهد و سر آن پافشاری میکنند، دخالت ارتش سر علیه مردم، سر علیه مطالبات و حشهای آنها و بطور سرکوب شده است که در طرح شورای ملی مقاومت برای این کار تحت عنوان "حفظ تمامت ارضی" و عنوان امافی و جدید "حفظ امنیت سراسری" در چهار تاق بازگذاشته شده است. در حال حاضر خلق کرد درگیر یک حش انقلابی علیه ستم و سرکوب است و میخواهد اطمینان داشته باشد که اسز راهای سرکوب محدود علیه وی نکار نخواهد افتاد. در حالیکه طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان بحای اطمینان دادن به خلق کرد برای جلوگیری از تکرار سرکوب و کشتار - آن همه از روی تعارفات توحالی بلکه ما نمسه مکا سیم هاسی که اس امر را حتی الامکان ناممکن سازد - به حکومت مرکزی اطمینان میدهد که

خودمختاری سی محسوس و نرسنی سال
و دم و واشکی را برای مرتب سوده ها و
سرای ناریسی گرفتن دستا وردهای وافعی
آنها همان کتند. در اینجا نیز همان
قوانینی که سرسایت هر سرروی لیسرالی
حا کما است. صدق میکند: حمتش انقلابی
سوده ها سرروی سوزنوا لیسرالی را از
خواب بیدار میکنند و از خواب سومی -
خبرند. با انقلاب "همراه" میشود و خود
را "دوستدار" انقلاب مینمایانند تا
توانند آنرا هف کند. عقیم یا ردوسه
با سودی نکند.

به ما سودی کشاندن انقلاب و حمتش
انقلابی خلق کرد و یا مال کردن و پس
گرفتن دستا وردهای توده های مردم
کردستان هدف اصلی شورای ملی
مقاوم را در ارائه این طرح و منظور
کلی دستگاه و هدف هرگونه سر خورد آنها
را به میانه کردستان تشکیل میدهد.
آنچه مانده این موضوع اضافه کرداس
است که شورای ملی مقاوم به فقط
از زاویه مفی حقوق ملی خلق کرد و انقایی
ستمگری ملی بمعنی احدی این کلمه
بلکه همجنس از زاویه از میان بردن
محتوای دمکراتیک و انقلابی مطالبات
این حمتش و به سد کشدن آن در چهار
جوب فواین و مواظط ارحامی جمهوری
دمکراتیک اسلامی به ساله سر خورد

مکند. و این مساله تا ما ن سوجه خاصی
است. از همان ابتدای انقلاب در ایران،
ویژگیهای اجتماعی و سیاسی کردستان
بگونه ای بود که به مذهب و به لیسرالیسم
هیچکدام نتوانستند سطورکا مل زمان
حمتش توده ای را درست بگیرند. و خود
ما زمان انقلابی طبقه کارگر در کردستان
- گونه له - و نقش رومه افزایش آن در
رهبری این حمتش طی چند سال گذشته.
محتوایی که ما جدید، انقلابی تنرو
را دیگران لشرار حمتش ملی دیگر سه آن
مخضیده و تا شراب ما ردودی بر محتوای
این حمتش و شیوه های آن بسا قسی
گذاشته است. واضح است که این
موضوع، بهر حال حرشی ارحق توده های
ملت کرد در تعیین سروشفت خویش
است که بتوانند در این مورد انتخاب
کنند و زندگی شان را مطابق اراده خود
ما زمان دهد. اما در هر حال این مساله
باعث میشود که مساله کردستان اسعاد
هدیدی پیدا کرده و ارا همتی دوجیدان
همسرای کارگران و همسرای سوزنوازی
سر خورد را بگذرد.

علاوه، خاموش کردن انقلاب
کردستان سمانه سقظه انکایی سرای
دمکراسی انقلابی در ایران سسرار
اهمیت خاصی برای شورای ملی مقاوم
و هرچنان سوزنوازی دیگر سر خورد را

مگرد و سپس حیات اکر - بادشاهان
میرود - که مردم مسلح و بیخبر را در
طرحان بکنند هرگز از یاد میبرد
که "حفظ اصیبت سراسری جمهوری" را نه
کف با کفایت ارتش بسیار است.

ندیدی است که همه اسلحهها
بر زمین نماند با اسلحه "خود اسلحه"
طرح امپریالیستها کردن "که هر روز
بیشتر دارد به سیاست اصلی شورای
ملی مقاومت تبدیل میشود سی ارتباط
باشد شورای ملی مقاومت نخواهد
امیرالسنها و امیرالدین و بطور رسمی
به آنها اطمینان بدهد که اولاً در
کردستان کاملاً دستخورد است و
"بزرگترین سروری مقاومت کردستان"
را با خود دارد و تا بیا می تواند
و میخواهد تا تکیه بر اسلحه و اعتبار
به خنثی کردن انقلاب، دیکراسی و
طبقه کارگر ببرد و در آنچه را که رژیم
شاه و خمینی نتوانستند حتی تا تکیه به
فهر روز "حل" کنند، او "فیصله" خواهد
داد.

بالاخره این راهم نباید از نظر دور
داشت که ارائه طرح خود مختاری از جانب
شورای ملی مقاومت در خدمت "حفظ
اسلام" و با بهترین گفته شود برای
طلوگیری از گسختگی شورای ملی
مقاومت سر بروده است. سنگمان برپوش

گداش بر اختلافات دروسی شورای
ملی مقاومت و سپس سبب رسیدن
تا کتیکهای آن، یکی از عللی است که
شورای ملی مقاومت را سبب جسمی
توانمندی حوی داده است. آنچه آقای
رعوی در پیام خود را آن نام "سرداری
و اعطاف" در توافق سروری اس طرح
یاد میکنند به نگرش های شدیدی است
که سراسر آن موسسه مصالحه برای مدتی
دیگر خوابانیده شده است. صفا آنچه
در اس میان فرسای شده با شورای ملی
مقاومت سلامت باشد، مافع توده های
خلق کرد و مردم کراسی در کردستان
و اسرا است. آنها هستند اهداف
شورای ملی مقاومت و طرح گدایی آن.

اما مواضع کنونی شورای ملی مقاومت
قاعدتاً با بدعتی کسی را که طی چند
سال اخیر در جریان حوادث کردستان
فرار داشته برانگیزد. بر آنکه ادامه
سیاستها و مواضع گذشته سر و هسای
مشکله آن در شرایط و وضعیت جدید
است. شعار اصلی بنی صدر در "اولس
دوره ریاست جمهوری" اش در سال ۵۹
هنگامیکه تهاجم جدید رژیم به کردستان
پس از یک آتش بس چند ماهه مجدداً آغاز شده
بود، "خلع سلاح" بود. بیوتیهای سی صدری
می ناست دقیقاً "خلع سلاح صد
انقلاب و گروههای مسلح در کردستان"

اربا در آورده نبودند و در مقابل همسایگان
 سبب طبع سلاح نسی صدر بود که نوده -
 های مردم سمدج هنگام حمله مقاصد وقت
 قهرمانان ۲۴ روزه شان شما میدادند؛
 اگر همه کشته شویم، طبع سلاح میشویم.
 و حال نسی صدر میگویند سیاستی را که در
"جمهوری اسلامی خمینی" نتوانست
از پیش سرود، در "جمهوری دمکراتیک
اسلامی" وسعت گامی موقعیت کنونی
در ایواریسون حکومت و همدستی حزب
دمکرات متحقق سازد.

مخاطب سز همنطور. آنها سز
 هنگام مکه هسوره موقعیت ایواریسون
 "بدر خمینی" زاده شده بودند،
 خطاب به وی می گفتند:
 "حمرن آب الله! چنانچه میدانید
 سازمان مهادیس به در کردستان و به
 در هیچ حای دیگر در هیچ درگیری داخلی
 شرکت نداشته و به نسی راه حل نظامی
 در مقابل اسگوبه قضا یا را از اساس غیر
 عادلانه میداند، بلکه به نسی سیر
 میداند که هیچ پانان خدا پسانه ای
 سراسر درگیرتها جز تهدید هر چه بیشتر
 وحدت و تمام ارضی کشور منترت
 نیست. از این رو موافقت نمائید
 مهادیس مشول شون سراسر همان
پیام ۲۶ آنان خودشان نکالند
 کردستان و سایر ملت ها را منطسه

دهند...

بدیهی است که پس از اعاده جسون
 عادلانه مردم کردستان و منحصرا شدن
 مرزهای خلقی و خدخلق، ما سازم گروه ضد
مردمی و هرکس که علیه استقلال و تمامیت
کشور نظم و آرامش آن سامان کوچکتر
حدنه ای وارد سازد وارد جنگ شویم.
 (نامه مهادیس به خمینی، نشریه
 "مهاد ۱۱۳"، ۲۱ اسفندماه ۵۹،
 تاکیدها از ما ست.)

می نسی که مهادیس در اسفندماه
 ۵۹ مقاصد مسلحانه خلقی کردار "ار
 اساس غیر عادلانه" می دانستند و
 بگرا نیفتان ارباب با اصطلاح "درگیری"
 های کردستان اس بود که "وحدت و
 تمامیت ارضی کشور" را "هر چه بیشتر
 تهدید" میکنند و اینکه مردم کردستان
 را احاک و خون میکنند و آزادی و حقوقشان
 را پایمال میکنند. ما شان دادیم که
 آنها امروز هم همسایگان را دادند.
 مهادیس آسوقع صراحتا اعلام میکنند
 که چنانچه مهادیس ۲۶ آنان خمینی
 در کردستان اجرا شود، از آن پس دیگر
 "سازم گروه و هرکس که به تمامیت ارضی
 و نظم و آرامش آن سامان" کوچکتر
 حدنه ای وارد سازد وارد جنگ
 شود و اس دمقا دورمائی است که در
 حال حاضر هم برای خود رسم میکنند.

آموغ محاهدس صحواسند حمسنی
به کردستان روانه تان کدنا در آنجا
خلق وفد خلق ستراندو محالفان بیام
۲۶ آمان حمسنی را ضد خلق سامند .
یکی راهنی گندودنگری را کوسند
وبه این طریق جنش را ارمان سردارید .
حالا نیز همان سیاست را در شرایط جدید
تعقیب می کنند و این بار می خواهند
اتکای حزب دمکرات ، جنش خلق کرد
را متلاشی و آن را تعطیه کنند .

خادارد در اینجا از حزب دمکرات
کردستان سؤال خود که در مقاسل چه
امتباری چنین توافقی بعمل آمده
است ؟ به چه دلیل و تحت چه فشاری به
فقط مطالبات خلق کرد سا داده شده
بلکه حتی برنامه خود حزب دمکرات
بیز در پیستگاه شورای ملی مقاومت و
جمهوری دمکراتیک اسلامی سه ورق
پاره ای تبدیل شده است ؟ و این حزب
در رابطه با امضای این سند چه حواسی
به خلق کرد خواهد داد ، نکته جالب اینکه
وقتی طرح محاهدین خلقی برای
خودمختاری کردستان مدتی قبل از
طرح شورای ملی مقاومت انتشار یافت ،
حزب دمکرات ضمن تأکید مشروط آن اعلام
کرد که اسس طرح هسورگانی سمست و
ساندینتر سرود و اصلاح شود ، ولی در
مدتی کمزارد و ما هرچی سه مراتب

سدرار آن را در کمال میل امضا کرده و
به همگان اعلام سدا رد که دیگر "نگراسی
های مردم کردستان" ساندیکلی سطرط
شود ! آیا اصلاحات سرور دستر در طرح
شورای ملی مقاومت در سطر گرفته شده
است ؟ خیر . واقعیت این است که
محاهدین به سمت حزب دمکرات منما بل
شده اند ، بلکه اسس حزب دمکرات و
محاهدین ، هر دو هستند که تحت هدایت
محاهدین سمست منی سدر کشیده شده اند .
ساهمه اسپاسی گمان خلق کسرد و
رحمکنان کردستان به اسس توسطه
جدید که ارحاب شورای ملی مقاومت
برای ساسود کردن انقلابشان ، برای یس
گرمس دننا وردها شان و برای رمسه
سازی جنگ داخلی در کردستان طرح
ربری شده و تحت عنوان فرسینده
خودمختاری به مسان کشیده شده تن در
سخواهد داد و اس طرح سرشستی سسر
ار "پیام تاریخی امام خمینی" بسدا
سخواهد کرد .

عبدا لله مهتدی

۶۲/۹/۱۶

هنگامی که اس مقاله ر سراج بود.
شتره "مجاهد ۱۷۹" به دسم رسد، سزاسی
که نا هدار غیب رسد! معلوم می شود
رور ساه آفای سی صدر سام "اعلام
اسلامی در هجرت" در شماره ۶۰ خود طی
مقاله ای سام "پیش و پیش ارتخرسه"
(به فلم سی هدیو سانا الهام ار او)
ماف و ساهه نوشته است که:

"سی صدر در ۲۱ تیر ماه ۵۸ در
انقلاب اسلامی س مقاله ای تحت عنوان
"خود محضاری، سباهه نوشته" نوشت ...
و طرحی سرباهه ساهه سب ارضی کشور و
وحدت ملی (و در سب ساهه حاکمیت ملی)
سرای خود محضاری ار اشته کرد. اسرور
سدار ۴ سال و ۴ ماه ... شورای
ملی مقاف و س طرح مناسی را س رهمان
اصول و به اتفاق آراء صوت س کند.
و ادامه سدهد: "چرا سدار ۴ سال و
آسهمه خرسه نلح و آسهمه س سارا و
تسهد دروع که روشفکرتا را در حسب
سی صدر گفت و نوشت. معلوم سده که
اوحق دارد؟ یا سخ این است که آن طرح
صحیح بود ..."

آقای مهدی اسرشم چی ساه سنده
مجاهدین خلق در شورای ملی مقاف و س
سر طی مقاله ای طولانی در سترسه
مجاهد حواب اس ادعا راداده و اعلام
کرده که طرح شورای ملی مقاف و س برای

خود محضاری کرد سان و امعا س طرح
گذشته آفای سی صدر مقاف و س است و
طرح انشان اصلا طرح سوده است.
آقای اسرشم چی سب اظهار اطمساهای
سار طولانی ار اسکه سان اختلافات
اشکالی سدا ر دوشورای ملی مقاف و س
را ارهم سی یا ساهه، و اسکه خرسهای
خودی را ساید س دل گرفت و او واقعا
به آفای سی صدر و دوسان رور ساه
انقلاب اسلامی احترام سگدارده، ار آفای
رحوی مشول شورای ملی مقاف و س
حواسنا ر مشود که قدرت سی سخر حوش
را در وحدت سخی در درون شورای ملی
مقاف و س سگار سدا ر دو "سگدار دمصوات
شورا خدای سا کرده به وسله ای س برای
سوسه سب سهای شخصی و گروهی س سدا ر
شود" س را اس وضع ساعت مشود که
"... از اس سب راه سهرگ سوسه رسد
دمکراسیک و شورایی س س مشود و س
هنگام طرحهای سدی هر کس مصالح
فردی و گروهی خود را در سنا سنا پدیری
و انحصا دهر چه سب ستر در مواضع سب س
می با بد و سب سچوه اعطاف و سرباری
سنان نمی دهد و در سصح خطاهای
اشتها هات احتمالی سده س س
سی کوئند. و سرواض است که سگ سب
جمعی .. ساسه سب سگرس رمام
امور ملت اسران سب ..."

به اس ترست آقای ابریشمچی
دوستان "انقلاب اسلامی در محراب" را
ارباب امگه با گفتن حقیقت با صحت
میخوانند که اراس پس دیگر امثال حزب
دمکرات کردستان "اعطاف و سردباری"
شان بدهند و دیگر "در تصحیح خطاها و
انتباهات احتمالی گذشته بکوشید"
ملاحظه می کند. آقای ابریشمچی
اظهار نگرانی می کند که ادمه این
روش ممکن است باعث شود که "خدا ی
ساز کرده شورادریما میب خودیهای بک
گام به پیش دوگام سه یس سردا رد و طرحی
که در سها با اعطاف و سردباری سرانجام
به ا مضای کلمه شخصیت ها و اعضای شورا
رسده محدودش و اجر رحما ب همگی ...
ناظر شود." بخصوص که "سابعه

احیاءات و سرخورد هائی بطور احیاءات
آقای بی صدر و حزب دمکرات به هیچ
گس پوشیده نیست. کاملا روشن است
که آقای ابریشمچی نگران اینست که
صریح گویی بی صدر و دوستانش، کار
را به مقاله مثل وبه خا های نارسک
بکتا بدو آسان را ملامت میکنند که هالاکه
همه آسرا امما کرده اند، دیگر چه جای
خودنمائی و ترمیمه کردن دیگران است؟!
سراستی که لطفی سترار اینس از
حاجب آقای بی صدر و دوستان او را
بی تدنصور کرد!

عبدالله مهتدی

۶۲/۹/۲۰

کارگران جهان متحد شوید!

از اسفارات حزب کمونیست ایران